خبر

نقش‌آفرینی یک پلیس واقعی در آثار نمایشی

سرهنگ سجادی، چهره آشنایی برای مخاطبان سریال‌های پلیسی است. هدایتا... سجادی، متولد تهران است و مشاوره نیروی انتظامی را برای بسیاری از سریال‌ها به عهده داشته است. او فارغ التحصیل کارشناسی از دانشگاه افسری و سرهنگ بازنشسته نیروی انتظامی است. سجادی در بیشتر فیلم‌های پلیسی به عنوان مشاور پلیس حضور دارد. البته بازی سجادی در نقش‌های مختلف، او را به یک چهره پلیسی شناخته شده تبدیل کرده است. او تاکنون در سریال‌هایی مثل آمین، سه‌پنج‌دو، گاوصندوق، هشدارهای پلیس، آینه عبرت، ما چند نفر، نون‌خ، هم‌بازی، زمین گرم و پرکار بازی کرده است. او پیش از این درباره ورودش به سریال‌های پلیسی گفته بود: «بازی من به زمان تولید سریال‌های هشدارهای پلیس و آیینه عبرت که در سال ۶۷ ضبط می‌شد و کارگردانی آنان را آقای محسن شاه‌محمدی به‌عهده داشت، برمی‌گردد. در واقع ایشان بودند که به من جرات بازی کردن دادند. یادم می‌آید ایشان به من پیشنهاد کرد من خودم نقش پلیس را بازی کنم و اولین بازی من از آنجا شروع شد و از آنجا که به بازیگری علاقه‌مند بودم تنها در کارهایی که مشاور هستم بازی نمی‌کنم و معمولا در کارهای دیگر هم به عنوان بازیگر حضور دارم.» او از سال ۱۳۶۷ تاکنون در سریال‌های مختلفی نقش‌آفرینی کرده و برای مخاطبان در قامت یک پلیس ظاهر شده است.

رویکرد

جای خالی پلیس‌های زن در قصه‌ها

نوشین مجلسی
گروه رسانه

قصه‌های تلویزیونی فرصتی ناب برای دیده‌شدن یک شخصیت و بازیگر آن است، چراکه آنتنی با پهنای پخش گسترده را در اختیار می‌گذارد. البته به قید شیوایی متن نگاشته‌شده، رعایت اصول جذابیت و همچنین اجرای هنرمندانه این ظرفیت بالقوه، بالفعل می‌شود.

در این میان بعضی شغل‌ها و عناوین آنقدر شناخته شده است که تا نام‌شان را می‌شنویم خیلی زود تصویری از آنان در ذهن‌مان مجسم می‌شود. این روند با فیلم‌ها و سریال‌هایی که چنین شخصیت‌هایی را در خود جای دادند بیش از پیش تسریع شده است و گاهی برای افراد و مشاغل مختلف شکل ویژه‌تری پیدا کرده‌اند که تا اسم‌شان را می‌شنویم، شخصیت‌های تلویزیونی با چنین شغلی در ذهن‌مان می‌آید.

به همین خاطر است که می‌توان ادعا کرد دنیای تصویر مدت‌هاست به حافظه تصویری ما گره خورده و به‌کلی به شخصیت‌ها و مشاغل رنگ و نشان دیگری داده است. از جمله این موارد پلیس‌ها و کارآگاه‌ها هستند که تعدادی زیادی از نمونه‌های تلویزیونی‌شان در ذهن‌مان باقی است. از کارآگاه‌های خارجی مثل پوآرو، ناوارو و... بگیر تا نمونه‌های ایرانی مثل اوصیا در «سرنخ»، کارآگاه علوی و....

هر چند در آثار پلیسی ایرانی همیشه در مورد نحوه بازنمایی پلیس وطنی و نزدیک‌بودن آن به واقعیت حرف و حدیث‌ها بسیار است. عده‌ای لزوم نزدیکی به حقیقت را مطرح می‌کنند و تعدادی هم باور دارند که جهان قصه سوای از دنیای واقعی است و با ذهن نویسنده پیش می‌رود. به همین دلیل اگر منطق و مختصات قصه حکم کند که قهرمانی بی‌بدیل را در لباس پلیس به نمایش بگذارد نمی‌توان خرده گرفت. به هر روی همان طور که اشاره شد برخی شخصیت‌ها بیش از دیگران در ذهن مخاطبان می‌مانند و پس از گذشت سال‌ها هنوز بازیگران‌شان با همان عنوان شناخته می‌شوند.

به نظر می‌رسد این رمز و راز را می‌توان در رعایت جزئیات در شخصیت‌پردازی، بازی باورپذیر و قصه جذاب جست‌وجو کرد. البته ژانر پلیسی به خودی خود برای بسیاری از مخاطبان که شیفته هیجان و رمز و راز هستند، جذاب است و شخصیت‌های این دست سریال‌ها چه در قامت بدمن و چه طرف خوب قصه نظیر پلیس قهرمان و گره‌گشا باشند، مخاطبان را جذب می‌کنند.

البته با مرور بر آثار تلویزیونی و سینمایی و در میان نام‌های متعدد و خاطره‌انگیز در این آثار به‌ندرت با شخصیت‌های زنان پلیس مواجه می‌شویم که در قصه نقش اصلی را بر عهده داشتند.

شاید به جز پلیس زن در سریال خواب و بیدار که تاحدی تابوشکن و تازه بود در دیگر سریال‌ها، این شخصیت‌ها در سایه پلیس‌های مرد حضور داشتند و بیشتر به عنوان چهره‌ای فرعی معرفی شدند. حتی اگر بازیگران شناخته‌شده ایفاگر آن بودند. برای مثال الهام حمیدی، بازیگر یکی از این نقش‌ها در سریال سقوط آزاد بود اما نقش موثری در قصه نداشت.

در مورد سریال خواب و بیدار هم این تمایز فقط درباره پلیس وجود نداشت و تصویر کاملا متفاوتی از زن خلافکار هم ارائه داد که یک باند را ریاست می‌کرد. شاید جای خالی پرداخت عمیق به این شخصیت‌ها با دلایلی چون نقش پررنگ‌تر مردان در رده‌های بالای شغلی پلیس در واقعیت توجیه شود اما این شغل هم مثل بسیاری دیگر می‌تواند یکی از ویژگی‌های شخصیت نمایشی باشد که کمتر به تصویر کشیده است و به خاطر کمتر دیده‌شدن اتفاقا تازگی دارد و برای مخاطبانی که به ندرت از نزدیک با وجوه زندگی شخصی و شغلی زنان حاضر در این عرصه آشنا هستند می‌تواند جذاب باشد. این ظرفیتی است که هنوز چندان از قابلیت‌های آن در آثار نمایشی بهره برده نشده است.

گپ‌وگفت

چرا شخصیت پلیس در سریال‌ها باورپذیرتر از قبل شده است؟

بخشی از ساخت فیلم‌های پلیسی مربوط به باورپذیرشدن کاراکتر پلیس در چنین فیلم‌هایی است. به نظر می‌رسد در سال‌های گذشته شخصیت پلیس در فیلم و سریال‌های تلویزیونی به یک بلوغ رسیده و باورپذیرتر شده است. آنچه که مخاطب در شخصیت کمال «خانه‌امن» یا غلامرضای «سرجوخه» می‌بیند با شخصیت پلیس در سریال‌های قدیمی یک سر و گردن فرق دارد. شاید برای همین هم، اقبال مخاطب به این سریال‌ها بیشتر از قبل شده است. به بهانه بررسی شخصیت پلیس در این سریال‌ها، گفت‌وگوی کوتاهی با ابوالفضل صفری، تهیه‌کننده سرجوخه و خانه‌امن داشتیم.

ابوالفضل صفری، تهیه‌کننده سینما و تلویزیون درخصوص بلوغ شخصیت پلیس و نیروهای امنیتی در سریال‌های تلویزیونی به جام‌جم می‌گوید: طی‌شدن این مسیر و رسیدن شخصیت پلیس به یک کاراکتر قابل‌قبول، از محل دیده‌شدن ضعفی بود که در برخی سریال‌ها وجود داشت. یعنی احساس شد که در گونه سریال پلیسی قدری ضعف وجود دارد یا به اندازه سبدهای رسانه‌ای کشورهایی مثل انگلیس و آمریکا نبوده و کافی نیست. به همین دلیل تلاش شد تا در این حوزه کار قوی‌تری تولید شود. نباید فراموش کرد که این گونه از تولید فیلم و سریال، کار سختی است. شاید لازم شود که ۲۰ روز فیلمبرداری کنید تا بتوانید یک سکانس اکشن بسازید. شاید بسیاری از ملودرام‌ها در یک روز سه سکانس ضبط کنند. من هم تلاش کردم در کنار برخی تهیه‌کنندگان، در تقویت فیلم و سریال‌های این چنینی کمکی کنم.

وی درباره باورپذیرترشدن نقش‌های پلیس در سریال‌های ایرانی عنوان می‌کند: در سریال خانه‌امن اصرار داشتیم که شخصیت‌ها باورپذیر باشد. بخشی از این باورپذیرشدن کار، به میزان اصلاحاتی که به کار می‌خورد هم مرتبط است. اگر سریالی در فیلمنامه محدود شود، در تولید هم خیلی قوی نخواهد بود. سریال‌ها و فیلم‌هایی که باورپذیر می‌شوند، محصول این هستند که دست گروه باز بوده و به آنها اعتماد شده است. در کنار آن، تلاش برای عمیق‌شدن کاراکترها هم در واقعی‌شدن این شخصیت‌ها موثر است. صفری به عوامل موثر در واقعی‌شدن شخصیت‌ها اشاره و تصریح می‌کند: عمق شخصیت‌ها ناشی از مطالعه است. یعنی باید اجزای یک شخصیت را شناخت که بتوان به یک کل رسید. بخشی از این مطالعه به‌صورت میدانی و برخی با حضور مشاوران در کارهای این‌چنینی محقق می‌شود. البته بخشی از آن هم به خلاقیت کار برمی‌گردد که مثلا تهیه‌کننده به این فکر کند که شخصیت یک پلیس دردمند و دغدغه‌دار را به نمایش درآورد.

زاویه

به سمت ساخت سریال معمایی برویم

سریال نوار زرد یک مجموعه‌پلیسی با محوریت قصه‌ای جنایی است که به واسطه نقش‌های متفاوتی مثل سرگرد کاوه کیهان، بیشتر از دیگر سریال‌ها در میان مخاطبان مقبول افتاد. شخصیت پلیس به طور کلی در این سریال قدری باورپذیرتر و از آن حالت سنتی خود خارج شده است. چه زمانی که سرگرد کاوه کیهان را یک کتابخوان و اهل قهوه نشان می‌دهد و چه زمانی که شخصیت افسر آگاهی را با یک شخصیت قاطع، به باور مخاطب می‌رساند. در حالت سنتی، پلیس از نظر مخاطب همان چهره‌های قدیمی با بازیگران پیشکسوت و در حال بررسی پرونده هستند. چهره پلیس در سریال‌های پلیسی سال‌های قبل قدری جوان‌تر و به واقعیت نزدیک‌تر شده است. چهره‌هایی مثل امیرآقایی و بانیپال شومون هر کدام در یک فصل مجزا، نقش شخصیت اصلی پلیس را بازی می‌کردند که متفاوت‌تر از سریال‌های دیگر بود. در همین رابطه گفت‌وگویی با محسن بهرامی، بازیگر سریال نوار زرد داشتیم.

محسن بهرامی در نوار زرد نقش یک افسر آگاهی را بازی می‌کند که در کنار نقش‌هایی مثل سرگرد کاوه کیهان، توانست یک چهره باورپذیر از پلیس را به مخاطب ارائه کند. او در این رابطه به جام‌جم می‌گوید: به نظرم سریال نوار زرد کار خوبی از آب درآمد. البته که بی‌ایراد نبود اما کم ایراد بود و تلاش کردیم به واقعیت نزدیک باشد. من برای نقش خودم تلاش کردم کار ویژه‌ای نکنم و در آن موقعیت به عنوان یک افسر پلیس اداره آگاهی و امور جنایی، سعی می‌کردم از شخصیت افرادی ایده بگیرم که از نیروی انتظامی یا آگاهی در کنار سریال بودند و با آنها مراوده داشتیم و از رفتار آنها الگوبرداری می‌کردیم. رفتارشان هنگام دنبال کردن پرونده یا برخورد با متهم را نگاه و بر اساس آن نقش را به واقعیت نزدیک می‌کردم. تلاشم هم این بود که با آنها گپ بزنم و با صمیمیتی که بین‌مان ایجاد شد، لحظه‌های خصوصی‌تر و رفاقت بین آنها را درک کنم یا مسائل و مشکلات روزمره آنها را ببینم. با این کار سعی کردم نقشی را که بازی می‌کنم، هرچه بیشتر به واقعیت زندگی افسران نیروی انتظامی و پلیس نزدیک کنم. وی ادامه می‌دهد: جدای از اتفاقی که در سریال‌ها می‌افتد و شخصیت‌هایی که می‌بینیم، به هر حال ما کار نمایش می‌کنیم. یعنی یک سریال تلویزیونی را بر اساس واقعیت می‌سازیم. این طور نیست که کاملا مستند باشد. طبیعی است در خلال کار این شخصیت‌ها را قدری با سلیقه خود کارگردان تغییر و متفاوت‌تر نشان دهیم. در واقع می‌توان قدری جزئیات بیشتری به این نقش‌ها اضافه کرد که در نوار زرد هم در شخصیت کاوه کیهان دیدیم و از نظر خیلی‌ها جالب‌تر از نقش‌های همیشگی بود. این بازیگر تصریح می‌کند: همیشه در بیشتر سریال‌ها، شخصیت پلیس را یک چهره عبوس می‌بینیم که به شکل جدی کارش را دنبال می‌کند و یک مسیر را جلو می‌رود. اما هر پلیسی در واقع یک زندگی شخصی دارد. ممکن است برخی‌شان دوست داشته باشند مطالعه بیشتری کنند یا قهوه بنوشند. البته تاکنون پلیسی با این شخصیت که سرگرد کاوه کیهان در نوار زرد دارد، ندیده بودیم و جنس رفتارش تازه بود. شاید به همین خاطر هم خیلی دیده شد و مورد توجه قرار گرفت. بهرامی درباره روند ساخت سریال‌های پلیسی عنوان می‌کند: سریال‌هایی که ما به صورت کلی نام پلیسی بر آن می‌گذاریم، ممکن است معمایی- جنایی یا معمایی- اکشن بوده و تحرک بیشتری داشته باشد اما در نوار زر می‌بینیم که تیراندازی یا تعقیب‌وگریز به آن صورت انجام نمی‌شود و بیشتر سریالی معمایی-جنایی است. این سریال براساس منطقی بود که پرونده اصلی داشت و براساس شواهد و مدارک جلو می‌رفت. به نظرم اگر بیشتر به سمت سریال‌های معمایی برویم، مخاطب هم بیشتر استقبال می‌کند. نمونه‌های موفق زیادی در این رابطه داریم. سریال‌هایی مثل پوآرو یا مارپل با گره معمایی، مخاطب را به خود جذب می‌کرد. به نظرم ما در کارهای معمایی موفق‌تر بودیم و باید روی این بخش انرژی بیشتری بگذاریم.

...ی که روایت متفاوتی دارند
...ین، امنیت!

یک گشت جوان

گشت ویژه محصول سال ۱۳۹۵ بود، به قلم طلا معتضدی و کارگردانی مهدی رحمانی روی آنتن رفته‌بود. موضوع این سریال پلیسی درباره ماجراهای یک گروه پلیس با تجربه بود که در چالش با پرونده‌های پلیسی، به رویارویی و حل و فصل آنها می‌پردازند. قرار دادن چند پلیس جوان به عنوان گشت‌های انتظامی، این سریال را از دیگر نمونه‌ها متفاوت کرده‌بود. گشت ویژه تلاش کرده‌بود تمرکز خود را بر نشان دادن زحمات نیروهای جوان امنیتی قرار دهد. از بازیگران گشت ویژه می‌توان به حمید گودرزی، شاهد احمدلو، پدرام شریفی، محمود پاک‌نیت، امیر کاظمی و احسان بیات‌فر اشاره کرد.

زوج فخیم‌زاده و دهقان‌نسب

وقتی صحبت از سریال‌های پلیسی می‌شود، نام مهدی فخیم‌زاده بیشتر از دیگر بازیگران به ذهن می‌رسد. او کارنامه‌اش با کارهای پلیسی گره خورده و در این سریال طنز و پلیسی به مسأله پیشگیری و برخورد با عاملان فروش مواد مخدر می‌پردازد. آگاهی بخشی به خانواده‌ها درباره چگونگی نفوذ تولید و پخش‌کنندگان مواد مخدر در بین جوانان از دیگر دغدغه‌های سریال فوق سری بود. زوج بازیگر فخیم‌زاده در این سریال، حبیب دهقان‌نسب بود که نقش سرهنگ نادری را بازی می‌کرد. این دو که رفت و آمد خانوادگی دارند، درگیر یک باند قاچاق مواد مخدر می‌شوند.

سرگرد احمدی به دنبال هوش سیاه

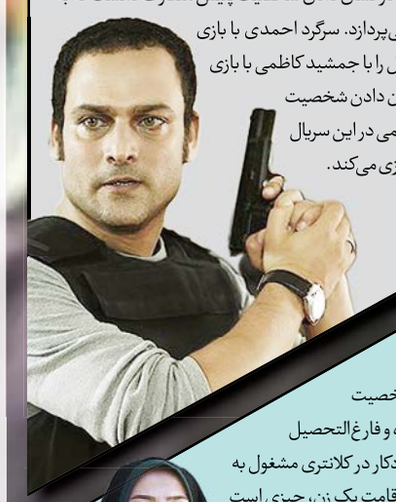

سریال هوش سیاه را باید از آن جهت در نشان دادن شخصیت پلیس متفاوت دانست که به جنبه‌های دیگر زندگی یک پلیس می‌پردازد. سرگرد احمدی با بازی حسین یاری از ابتدای سریال یک دوئل را با جمشید کاظمی با بازی کیکاووس یاکیده آغاز می‌کند که در نشان دادن شخصیت خود پلیس هم نقش دارد. جمشید کاظمی در این سریال نقش یک نابغه حوزه آی‌تی را بازی می‌کند.

زخم یک زن

سریال دیگر، زخم به کارگردانی مسعود آب‌پرور است که سال ۱۳۹۳ روی آنتن شبکه سه رفت. این سریال تمرکز خود را بر زنان مشاور کلانتری قرار داده‌بود که قصه‌های مختلفی را تجربه می‌کنند. شخصیت الهام پویا با بازی لیلا اوتادی، روان‌شناسی خوانده و فارغ‌التحصیل دانشکده افسری است. به عنوان مشاور و مددکار در کلانتری مشغول به کار است. نشان دادن شخصیت پلیس در قامت یک زن، چیزی است که بعد از خواب و بیدار کمتر در تلویزیون شاهد بودیم یا دست‌کم تمرکز سریال‌ها بر این شخصیت‌ها نبوده است. این زن مشاور در طول قصه و به دلیل انتخاب شغلی که داشته، با پدرش دچار مشکل می‌شود و همزمان ناچار می‌شود درگیر معضلات بیشتری شود. از جمله بازیگران این سریال می‌توان به همایون ارشادی، مهرداد ضیایی و محمد صادقی اشاره کرد.

دلشکسته جوان

سریال پلیس جوان در سال ۱۳۸۰ روی آنتن شبکه سه رفت. این سریال قصه پلیس جوانی به نام یونس بود که پدرش در کسوت قاضی دادگستری به طرز مشکوکی به قتل می‌رسد و همین مسأله، انگیزه‌ای برای یونس می‌شود تا راز قتل پدرش را کشف کند. البته قبل از ورودش به دانشکده پلیس، نامزدی‌اش به هم می‌خورد که دلیلش را بعدها و در خلال کشف راز قتل پدرش کشف می‌کند. یونس با بازی شهاب حسینی در آن سال‌ها چهره یک پلیس دل‌شکسته اما درستکار را نشان می‌داد که همزمان با جستجو برای قتل راز پدرش، درگیر پیدا کردن نیلوفر است و با اتفاق‌های مختلفی همراه می‌شود.

سیما

سنگدل و سودجو

سریال «شب دهم» و شخصیت‌هایش یکی از آثار ماندگار تلویزیون در دهه ۸۰ محسوب می‌شود. محمود پاک‌نیت در این مجموعه نقش سرگرد مبرز را بازی می‌کرد. سرگرد مبرز ویژگی‌های اخلاقی خاصی داشت که او را از شخصیت‌های کارآگاهی در دهه‌های گذشته متمایز می‌کرد. او بسیار سیاس بود و نیمه تاریک شخصیت خود را تا نیمه‌های قصه به مخاطب لو نمی‌داد. او شخصیتی سنگدل و سودجو داشت و جزو معدود کارآگاهان ایرانی است که در یک اثر نمایشی، شخصیت منفی دارد. این سرگرد زمانی در این سریال سروکله‌اش پیدا می‌شد که رقابت عاشقانه‌ای بین او و حیدر خوشمرام، یکی از لات‌های قدیم تهران برای به‌دست‌آوردن دل یک شازده قجری ایجاد شده بود. او با بدجنسی‌هایی که داشت مانع ازدواج حیدر و دختر قجری شد. پاک‌نیت در این سریال یکی از نقش‌های ماندگارش را بازی کرد. گرچه او سال‌هاست نقش پدران مهربان را در آثار نمایشی ایفا می‌کند اما قدرتی که در بازیگری داشت باعث شد این نقش با وجود این‌که جزو معدود شخصیت‌های منفی او بود اما مورد توجه قرار بگیرد و در زمان پخش هم با اقبال مخاطب روبه‌رو شد.

رخ

عاشقانه سرگرد فتاحی

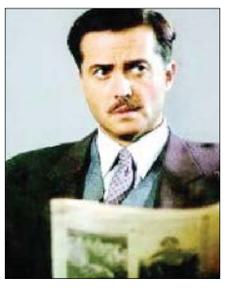

یکی از شخصیت‌های پلیس در سریال‌های ایرانی، سرگرد بهروز فتاحی در سریال مدار صفر درجه است. این شخصیت که با بازی پیر داغر خلق شده بود، حکایت سرگردی درستکار است که برای مبارزه با فساد تلاش می‌کند و حتی مقابل روسای خود می‌ایستد.

زندگی شخصی سرگرد سراسر غم است و ماجرای عاشقانه او به سرانجام نمی‌رسد. قصه مدار صفر درجه از جایی آغاز می‌شود که حبیب پارسا با بازی شهاب حسینی وقتی برای تحصیل به پاریس می‌رود، جنگ جهانی دوم شروع می‌شود و از سوی دیگر صهیونیسم در حال شکل‌گیری است.

در خلال همه این اتفاق‌ها، ماجراهای عاشقانه‌ای شکل می‌گیرد. مدار صفر درجه محصول سال ۸۶ با بازی شهاب حسینی، نویسندگی و کارگردانی حسن فتحی و تهیه‌کنندگی حسن بشکوفه روی آنتن شبکه یک رفته بود. مدار صفر درجه همزمان با روایت تاریخ و دوران جنگ جهانی دوم، توانسته بود یک عاشقانه پر کشش را به نمایش بگذارد.

پیر داغر که در این سریال نقش سرگرد فتاحی را بازی می‌کرد، لبنانی است و در سریال‌هایی چون همسایه و ساخت ایران بازی کرده است.

نوستالژی

عبدالرضا اکبری و نوستالژی پلیس

در میان تمام شخصیت‌های پلیس که بگردیم، عبدالرضا اکبری جزو اولین بازیگرانی است که در زمان اوج این سریال‌ها، در «مزد ترس» بازی کرده بود. شروع فعالیت اکبری در تئاتر سال ۱۳۴۷ بود. وی کار خود را در نمایش‌های تلویزیونی از سال ۱۳۶۰ شروع کرد و سال ۱۳۶۳ با شرکت در فیلم‌سینمایی «زندان دوله‌تو» به عالم سینما قدم نهاد. او در طول سال‌های اخیر در نقش‌های متفاوتی حضور داشته و به یک چهره شناخته‌شده در سریال‌های تلویزیونی تبدیل شده است. حالا که بیش از سه دهه از بازی او در مزد ترس می‌گذرد، پسرش پندار تا حدی جای او را گرفته و در سریالی مثل «گاندو» در قامت یک مامور امنیتی بازی کرده است.

کد بالا را اسکن کنید